

درجہات حق و باطل : بحسب خطی : محل جہین اصل احتیاط یا اشتغال

شک در اصل تکلیف ہے برائت

محل تکلیف و تردید

شک در مکلف ہے بحسب اصل احتیاط بحسب خطی

الے گاهی اوقات امر دائر است (تردید است) بنی اقل و اکثر
ولی

گاہ تردید است بنی متباینین
اصلاً لقی بنی → ۵۰٪ X ۵۰٪
نیت

امریقین

تھان قدر متیقن در موضوع مشکوک

می را غم در جھاد غم را غم - ات یا ۵۰ ات

اگر امر دائر شود بنی اقل و اکثر → ارتباطی → اصل احتیاط تکلیف منجر

استقلالی → به اقل احتیاط و به اکثر برائت
غیر ارتباطی
بمازاد

اطراف شبهہ محصور → احتیاط (بنی جہنم)
اطراف شبهہ غیر محصور → برائت

مذہب و غیر مذہب
مثل اھالی کدو

گروہ مذہبی و غیر مذہبی در مباح و حرام → با توجه به اصل برائت و در مشترکات مباح و حرام
برائت است

اصل استصحاب : ضعیفی مهم xxx

۱. مقدمہ ۲. نصبت ۳. شرایط ۴. اقسام

عندین مختلف اصل استصحاب : ۱. ابقاء مکان ۲. سید الاصول

۳. عرش الاصول، فرش الامارات ۴. نازلہ بنی المترکین ۵. بنی بیا اھلہ و اصل ۶. لا تنقض المقرن بالانف الاخر

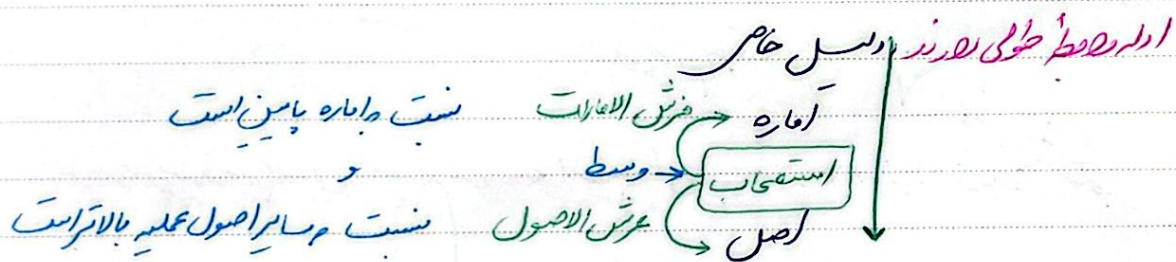
اصل استصحاب : دلالت بر محبت شدن، هم نشین شدن، هم گام شدن

لے تقریر نہ شدہ لار و بنا بر وضعیت نفسی نہ شدہ کی ندارد

یعنی با یقین نہ شدہ، یقین کنونی و لاحق را از بین میرد

مثال : من یقین دارم علی ایضا نہ شدہ مالک این مقام بود . ادراک تکمیل کے حال کھیت نسبت بنا بر وضعیت

باقی کی نہ دارم و چونکہ ہم حجتان مالک کھیت



سر ۵۲ - گزینہ ۴ : اصل استصحاب با اصول مختلف آخ در این مثال مطرح شدہ پس حرمہ مورد

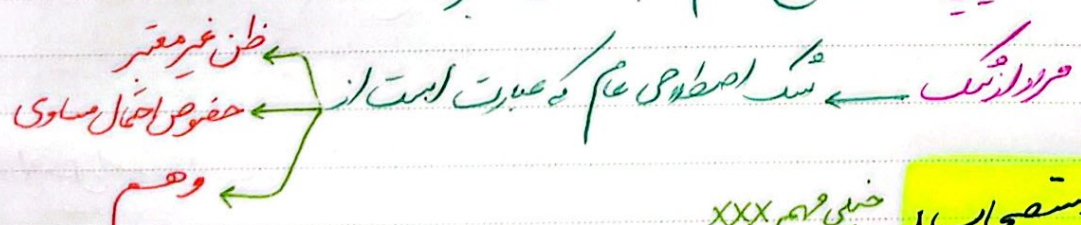
تعریف اصل استصحاب :

سر ۳۶ - گزینہ ۲

” یعنی با یقین سابق، شک لاحق را از بین میرد “ در این گزینہ فرضی شود یقین سابق، بعد از

کے درجہ کمتری شک کے آخ ملحق شدہ است . موضوع مورد یقین حال سابق موضوع مورد شک

حلال از یقین : قطع و عدم - ا و ظن معتبر



شرایط استصحاب : ضعیف مهم xxx

سر ۹۶ - گزینہ ج

۱. وحدت متعلق شک و یقین (وحدت موضوع)

۲. تقدم زمان متیقن بر زمان مشکوک

۳. تعدد زمان متیقن در زمان مشکوک

۴. وحدت زمان شک و یقین

۵. فعلیت شک و یقین

۶. وجود اثر شرعی یا حقوقی یا شرعی یا قانونی [یعنی اثر غیر مستقیم شرعی یا حقوقی حق یا واسطه کم

یا یک یا چند واسطه و اثر مستقیم حقوقی و شرعی]

فرق بین یقین و متیقن و شک و مورد مشکوک خیلی مهم است.

* **یقین و شک** حالت ذهنی و درونی و نفسانی است. من غنی را غم علی عادل است یا خیر؟

عدالت موضوع مورد شک

حقی که یقین دارم یا شک دارم مباح یا عدم مباحی شرعی ۹۹۹؟

هر چه در مباح یا عدم مباح شود **معلق شک و یقین** و **موضوع مورد یقین** یا **موضوع مورد شک**.

هر موضوعی که یقین بهش تعلق بگیرد متیقن یا معلق یقین است

شک ~ ~ ~ مشکوک یا معلق شک است.

من غنی را غم، من یقین دارم، من شک دارم ← اینجا هم موارد درونی و درونی است

همیشه یقین و شک نسبت به یک چیزی است به نام **متیقن**

۱/۱۰
مشکوک

من یقین دارم علی ۱۰ ساله پیش مالک

الاغ شک دارم که علی عادل است یا خیر

متیقن و مشکوک ۱۰ ساله است
بنابر این استصحاب ضرورت نمی کرد

وحدت موضوع ندارم

در برابر وحدت موضوع تعدد موضوع قرار دارد

هر جا موضوع متعذر باشد می شود قاعده

« مقتضی و مانع » که محبت نیست

متیقن مالکیت علی
مشکوک عدالت علی

وحدت معلق شک و یقین نیست

و تعدد موضوع در آن می شود قاعده مقتضی و مانع است که محبت نیست

یقین درم ۲ سال پیش نكاح دائم واقع شد ← شك درم الان طلاق واقع شده یا نه

موضوع مورد شك طلاق

تعدد موضوع پس استصحاب جری ندارد .

شرط لول استصحاب ← وحدت موضوع در برابر وحدت موضوع ← تعدد موضوع

ما عده متقین و صالح
حجت نیست

۱. تقدم بران متقین بر زمان مورد شك

↓
موضوع مورد شك

↓
موضوع مورد یقین

مثال صحیح کامل :
همین الان یقین درم ، علی ۲ سال گذشته مالک این خانه بود

همین الان شك درم که آیا علی اکنون مالک این خانه هست ؟

موضوع مورد یقین و مورد شك = حقیقون مالکیت

زمان مورد یقین (متیقن) باید بازمان مورد شك فقیر باشد .

چنانچه عین قضیه اتفاق بیوفته ← نقطه محال بران متیقن بر زمان شك می شود تقدم بران

مملوک بر زمان متیقن . به این حالت که اول شك باشد بعد

در مورد معنی الفاظ حجت است .

« من یقین درم الان قانون یعنی حضرات محبتی سر ۴۳ - گزینه ۲ »

متیقن

استصحاب وارونه یا

ولایت درم گذشته در معانی مصوب بوده یا غرض

استصحاب وارونه اصولاً حجت نیست

معلوس یا منقلب یا

تقصیری یا تحقیر

سر ۳۷ - گزینه ۲

زمان شك مقدم بر زمان متیقن

حجت نیست

استصحاب وارونه

سر ۷۰ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

سر ۷۲ - گزینه ۱

۳. تعدد زمان متعین و زمان مشکوک :

زمان متعین و زمان مشکوک حتماً باید دوراً باشد

مشرطه اینست که اول زمان یقین و بعد زمان مشکوک باشد. (یعنی سابق و متاخر)

برابر تعدد زمان متعین و زمان مشکوک ← وحدت زمان متعین و مشکوک است.

« قاعده النعین یا قاعده یقین (یا شک ساری) »

قاعده یقین و شک ساری

مطلقاً حجت نیست بخاطر عدم بقای یقین گذشته.

مثلاً: « ای یقین معلوم علی ۲ ماه پیش عالمک بود » ← « همین الان شک کردم که علی ۲ ماه پیش عالمک بود و حالیت او از سر زنده؟ »

بدلیل عدم بقای یقین گذشته → مطلقاً این حجت نیست → یعنی یقین سابق از بین رفت و بقا نداشت اعتبار ندارد

سر ۳۸ - گزینه ۱

قاعده النعین در موارد مختلف در زمان لاحق موجب تزلزل در یقین سابق

سر ۷۸ - گزینه ۲

سر ۷۹ - گزینه ۱ استغنی مطلقاً آثار شرعی را ثابت می کند.

حفظ آثار شرعی بی واسطه مستقیم و اصدار آثار عقلی و عرفی و عادی یا محال نیست نمی شود.

۴. وحدت زمان شک و یقین :

همه از وحدت زمان شک و یقین یعنی ایجاد شدن حالت شک و یقین باید در یک زمان باشد.

بر خلاف مشکوک و متعین که باید زمانی شون در دو زمان متفاوت باشد.

در اینجا شک و یقین باید در یک لحظه ایجاد شود بصورت همزمان شک و یقین اتفاق می افتد.

یعنی الان شک کردم همین الان یقین داشتم ام از قبل

۱. گاهی اوقات شک مادی مقتضی است گاهی در دفع یا مانع شک در علم

این شک در مقتضی دفع است.

انقسام استصحاب :

تعدد اصناف

1

۵۵

٢٠

—

١

ما

100 90 80 70 60 50 40 30 20 10 0

سر ۴۵ - نرینه ۲ - سر ۴۷ - نرینه ۳ - در اندک طلای واقع شده مراد نداریم بگویم در اثر افقیت شد

داریم نمی‌انیم قدرت رفع یافته باشد .
تک در افقیت وضع

سر ۴۶ - نرینه ۱

سر ۴۸ - الف - استعداد و قابلیت

سر ۷۵ - ج

سر ۷۶ - د - مقتضی لحظ اول احوال خیر تقصیر صفت نکرد . الان شد کرده که آیا هنوز خیر قوت خود باقی است یا غیر

این شد در مقتضی است .

شد در مقتضی در استمرار و عدم استمرار شد بگویم
ولی وجود وضع در حدت و نسبت این افق شد است

کلمه سندی یا سندی

کلمه سندی

↓
جزء

↓
کلمه

عقد بیع

عقد

↓
جزء

↓
کلمه

خیر عیب

خیر

↓
جزء

↓
کلمه

آیا کسی از آن جهت که کلی است در برین پیدا نمی‌شود بلکه جایگاهش در وضع است

علی و انسان

و زمانی یک مصداق و خبری محقق شود

↓
کلمه

خود را در برین و خوف جی ندارد فکر
و زمانیکه علی که مصداق از انسان است و محقق می‌شود .
نمایان می‌شود .

یا عقد نکاح بدو دائم یا موقت بودن اصل وجود ندارد شوق مانی از نکاح غیر از این دو مورد وجود ندارد .

استقرا کلی بر سه قسم است
قسم اول - حجت است
قسم دوم - حجت نیست
قسم سوم - حجت نیست

استقرا
PAPCO
بویژه عدم وحدت موضوع

* مراد از استقاب کلی قسم اول *

مثال در علی نسبت مامان خود است . علی و علی وارطان ^{هم جزو} شکل گرفت

ساعت یا تقنین پیدا کردم علی وارطان ^{که هم کل} به تبع کلی انسان هم شکل گرفت

ساعت ۱۲ شک کردم که همچنان علی در خانه هست یا نیست استقاب می کنیم به جهت
تبع تقنین گذشته فرض می کنیم که هست خبری استقاب کردم کلی انسان هم
استقاب می شود

* در عقد بیع خاصه تنفیص صنفه ای باشد پس مفهوم کلی خارج هم ایجاب می شود *

* ساعت ۱۰ در قرارداد می بینم که جهت حضور مانده چه استقاب می کنیم به تقنین سابق بر

الان شک کردم که آیا تقنین سابق هم ایجاب می دارد یا نه است و فرضی در سابق

ایجاب می دارد به تبع آن کلی هم ایجاب می دارد

هستند جهت یا غیره

یعنی مفهوم کلی خارج

استقاب می کنیم که هم کلی هم جزئی حضور هست

مهم XXX مراد از استقاب کلی قسم دوم * اثر خاص هیچ یک از جزو ها استقاب نمی شود

تقنین مقدم کلی به وجود آمد اما نمی دانم در قالب کدام جزو به دو جزئی که روزی از نسخ می رود یا جزئی که مانده دارد

میدانم حواسی ایجاب می دارد اما نمی دانم به است یا فعل

تبعین درم نکاهی منعقد شد اما نمی دانم موقت است که نقد از این میرو یا دائم است و مانند نظر

میدانم مالکیت ایجاب می دارد اما نمی دانم در قالب بیع است که مانده دارد یا در قالب هبه به عنوان از این میرو

مثلاً اثر خاص نکاح موقت که مکرر است استقاب نمی شود

بلکه صرفاً اثر خود نکاح که کلی است

دائم که نفقه است استقاب نمی شود

و شرکت است تقنین محسوس

در وجهیت ایجاب می شود

استقاب می شود

یا در مورد عقد هبه و عقد بیع هیچ یک از ضایعات که مختص عقد بیع است

استقاب نمی شود و آثار هبه کلی استقاب نمی شود ، فقط آثار کلی مشترک استقاب می شود

« مراد از استحقاق کلی قسم سوم » ← حجت نسبت

یقین دارم علی عت یا وارثه ، یقین دارم عت ۱۲ خراج شد ولی تک دارم شاید پیش از آنکه
علی خراج شده باشد کسی دیگر وارثان شده باشد و یا مقایسه با قس علی ، کسی دیگر وارث شده باشد .
اگر در اینجا نمی توانیم هنوز کلی استحقاق کنیم .

چون موضوع عت علی بود که این نسبت استحقاق انسان به انسان
صورت نمی گیرد چون شرایط این استحقاق نیست
فقط صورت موضوع

← یقین دارم پدر ولی بود . کودک بالغ شد ولایت زائل شد
تواری دارم شاید زنی که بالغ می شد جنین متصل به صغیر شده است در اینجا نمی شود همچنان
و در آن لحظه متولد به جنین شده و جدا ولایت را استحقاق نکرد . (استحقاق کلی ولایت صورت نمی گیرد)

مرحله ۱
پس یقین دارم که جزئی محقق شد و متبع آن کلی نیز محقق شد .

مرحله ۲
یقین دارم که جزئی از این است و متبع آن کلی نیز از این است

مرحله ۳
تک دارم پیش از آنکه جزئی م وجود کرده باشد جزئی دیگر از قبل موجود بوده و یا زمانی که این جزئی را داشته
داشتند این جزئی نیست و همچنان آن جزئی دیگر ای داشته باشد

در این حالت استحقاق کلی صورت نمی گیرد چون موضوعات متفاوت است

س ۵۸ - نمونه ۱ : عقد نكاح واقع شده ، مورد بطلان درت گد - در نكاح دارم یا موت تک شده ، نكاح بطلد
کلی استحقاق می شود ← فقط حالت تمتع و حرمت از ادراج زن .

س ۵۷ - ۳ : و در ب نكاح و توارث فقط آثار ظاهر نكاح دارم است پس استحقاق نمی شود بلكه فقط آثار مشرک
نكاح دارم و حرمت استحقاق می شود .

و حاشیه‌ها را از صفحه جدا می‌کنیم و به آن حاشیه می‌گوییم

که به آن حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند

حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند

حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند

حاشیه

حاشیه

حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند

حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند

حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند

حاشیه

حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند

حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند

حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند

حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند

حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند

حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند

حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند

حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند

حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند

حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند

حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند

حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند

حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند و به آن حاشیه می‌گویند

Scanned with
 CamScanner™

منع ملک را می فرستیم یعنی می گوییم که مرز ختم به شما
 یا قبول است که واقع بشود مقدم است
 ایجاب می کنیم
 یا تاخیر اتفاق افتاد

تعاوض اصل استحقاق با سایر ادله:

۱. دلیل خاص:

۲. امارات

الف، اقرار

ب، بینه

ج، بد - خراس - اصل صحت - ظاهر حال

اسی

۲. مستی

۳. اصل محلی محرز = اصل استحقاق

۴. اصل محلی غیر محرز = برایت - احتیاط - تخفیر - قهره س ۷۳ - نرینه ۴

نکات مهم:

۱. دلیلی این ادله طولی و تریبی است

۲. ادعاء بد و اصل صحت در صورت برابر اصل استحقاق مقدمند خواه بد و اصل صحت اماره یا اصل محلی
 خواه استحقاق اماره باشد یا اصل محلی

۳. تقدم بد بر استحقاق از باب تخصیص است.

۴. تقدم دلیل بالایی بر دلیل پائینی چنانچه دلیل پائینی عقلی باشد این تقدم از باب ورود است.

نه حکومت X نه تخصیص X نه تخصیص X

ملا تقدم استحقاق بر تخفیر عقلی از باب ورود است.

لذا تقدم بالایی بر دلیل شرعی پائینی از باب حکومت است.

ملا تقدم استحقاق بر برایت شرعی از باب حکومت است.

۵. بد و اصل صحت، استحقاق را تخصیص می زند یعنی استحقاق عام و بد و اصل صحت خاص

۱. جمع عمومی مقبول است
۲. خصوصاً با تشدید ۳۳ درصد
۳. طرقت ۴
۵. خصوصاً با تشدید ۳۳ درصد

این دو ظاهر از ظاهر است
در واقع فایده جمع مقبول
است و این ظاهر از ظاهر است
و این ظاهر از ظاهر است

جمع عمومی مقبول است
جمع عمومی مقبول است
جمع عمومی مقبول است
جمع عمومی مقبول است

جمع عمومی مقبول است
جمع عمومی مقبول است
جمع عمومی مقبول است
جمع عمومی مقبول است

جمع عمومی مقبول است
جمع عمومی مقبول است
جمع عمومی مقبول است
جمع عمومی مقبول است

جمع عمومی مقبول است
جمع عمومی مقبول است
جمع عمومی مقبول است
جمع عمومی مقبول است

جمع عمومی مقبول است
جمع عمومی مقبول است
جمع عمومی مقبول است
جمع عمومی مقبول است

جمع عمومی مقبول است
جمع عمومی مقبول است
جمع عمومی مقبول است
جمع عمومی مقبول است

جمع عمومی مقبول است
جمع عمومی مقبول است
جمع عمومی مقبول است
جمع عمومی مقبول است

تخصیص :

«تو این مسئله بی ربط است»

مثال : همه میروند یا ساله باید مسیری بروند جز در آخران
اصح اصرار میروند بطور دیگر ؟ نه خوش موضوعی است

* عقد بصورت معاطات واقع می شود جز طلاق - طلاق اصح عقد نیست

تخصیص یا تقصید :

اخراج حکمی و موضوعاً یکی هستند فقط حکم شامل حالش نمی شود
همه را نمی بیند از خوابگاه استفاده کنند جز از آشپزخانه

موضوع و تشخیص یکی است و حکم شامل او نمی شود

وارد

هرگاه دلیل قوی موضوع دلیل ضعیف را مقدم سازد

مورد

وارد

گفته که وارد شد موش مورد و شد

مورد

وارد

تأیید باشد به اصل رجوع نمی شود تا امتحان باشد به احتیاط
رجوع نمی شود

حکومت

دانشمند را احترام کنید - غیر یکدانش دانشمند نیست

از موضوع اخراج شد

موضوع حکم

قبلاً گفتیم دانشمند موضوع است

در حاکم غیر یکدانش واقع دانشمند است

کفایت دانشمند است

به موضوع امانت شد و کفایت واقع دانشمند نیست

هرگاه دلیلی ناظر به موضوع دلیل دیگر باشد و در موضوع دخل تصرف کند و یا موضوع را تعلق دهد و یا

محدود کند به دلیل تصرف کننده حاکم و به دلیل تصرف شده محکوم گویند
نشانه های حکومت

→ قسمتی جزی بنی و بنیوہ

حقوق بشری - عدالت و انصاف - بی‌پایان و بی‌پایانیت - بی‌پایان و بی‌پایانیت - بی‌پایان و بی‌پایانیت

تفاوت های عمده: → سبک زندگی، سوخت و استراحت، بهای تمام شده

تولیدی و مصرفی
تولیدی → مصرفی

[illegible]

مہاشیڈان، اسلام آباد، پاکستان
حسن و خیر خواہانہ - جانِ حق

مدرسہ اسلامیہ دارالعلوم، جامعہ اسلامیہ دارالعلوم
پشاور - پاکستان

این اضماع → اضماعی طریقی محلی
* جهت از فضیات عمومی مستثنی است

[illegible]